

شیر و موش



نویسنده: زهرا نمازخواجو

" روزی روزگاری شیری در یک جنگل
فرمانروایی می کرد. یروز بعد از خوردن غذا،
شیر زیر یه درخت به خواب رفت. یه موش
شیر رو دید و فکر کرد خوبه که کمی سر به
سرش بذاره. شروع کرد به بالا و پایین دوییدن
روی بدن شیر که در حال استراحت بود. از
دمش بالا می رفت و از اون بالا دوباره سر می
خورد پایین.



وقتی به سر شیر رسید، ناگهان شیر غرشی کرد، با دست موش کوچولو را گرفت و گفت:

«ای حیوان گستاخ! تو با این جثه‌ی کوچکت، چطور جرئت کردی روی بدن من راه بروی! الآن تو را می‌خورم تا بفهمی که با چه کسی طرف هستی!»



شیر، موش کوچولو را به طرف دهانش برد و آماده بود او را داخل دهانش بیندازد که موش کوچولو گفت: «ای سلطان جنگل، به من رحم کن! این جثه‌ی کوچک من تو را سیر نمی‌کند. اگر از خوردن من بگذری. قول می‌دهم این لطف تو را جبران کنم.»



شیر خندید و گفت: «تو حیوان فسقلی، می خواهی
لطف مرا جبران کنی؟! مثلاً می خواهی چه کار
کنی؟»

موش کوچولو حرفی نزد. دل شیر به حال موش
کوچولو سوخت و او را رها کرد تا هر جا که دلش
می خواهد برود. موش کوچولو گفت: «ممنونم.
شاید روزی برسد که بتوانم این محبت تو را جبران
کنم.»



مدت زیادی از آن روز نگذشته بود. شیر در جنگل قدم می‌زد. شاید هم دنبال شکار بود که ناگهان زیر پایش خالی شد و در چاله‌ای افتاد و تا آمد به خود بیاید و خود را نجات دهد، دید که در دام گرفتار شده است. رشته‌های طناب دست و پای او را بسته بودند.



شیر خیلی زور زد، اما کاری از دستش برنیامد.
دامی که در آن افتاده بود، اجازه نمی‌داد تکان
بخورد. از قضا، همان زمان موش کوچولو هم از آنجا
می‌گذشت، شیر را دید که در دام گرفتار شده،
موش جلو دوید و طناب‌ها را با دندان‌های تیزش
جوید و آن‌ها را پاره کرد. چند دقیقه بعد شیر آزاد
شد و توانست از دام بیرون بیاید. موش کوچولو
گفت: «دیدی سلطان جنگل، من به این کوچکی
هم می‌توانم به شما کمک کنم.»



شیر گفت: "ازت ممنونم. دیگه هیچ آزاری به تو
نمی‌رسونم. با آرامش تو جنگل من زندگی کن.
توی زندگی سلطان جنگل رو نجات دادی. حالا
تو شاهزاده‌ی این جنگلی!"



موش شروع کرد به بازی روی پشت شیر و از دمش سر می خورد. شیر، موش کوچولو را روی سرش گذاشت و به راهش ادامه داد.



کتاب مصوّر حاضر، داستان «شیر و موش» از کتاب «کلپله و دمنه» است که به نثری ساده و روان، برای کودکان بازنویسی شده است. هدف از نگارش این کتاب، آشنایی با داستان‌های آموزنده و اخلاقی کلپله و دمنه و آموزش بخشندگی و قدرشناسی است



کتاب شیر و موش
نویسنده و تصویرگر: زهرا نمازخواجو
کتاب مصور رنگی
تعداد صفحات کتاب با جلد:
مشخصات نشر: نشر الکترونیکی
محل نشر: تهران - ایران
موضوع: افسانه های عامه

حقی نشر محفوظ است
داستان های آموزنده کودکان اثر این نویسنده:
لاکپشت و خرگوش
روباه و جوجه کلاغ
بهراد و مداد جادویی
گره و موش

موضوع قصه: آموزنده
سر شناسه: زهرا نمازخواجو - ۶۱
قیمت الکترونیکی کتاب:
گروه سنی ب و ج